

فلسفه دوازدهم - درس ۷ - عقل در فلسفه (۱)

عقل و عقلانیت ← مفهوم گره خورده با فلسفه

← فیلسوفان ← بهترین مباحثان عقل

← وجه تمایز انسان از حیوان

← منظور ارسطو از ناطق ← عاقل است

← تاریخ فلسفه با تاریخ عقل ← پیوند ناگسستی

← تحولات معنایی و محدوده عقل همراه با تحولات فلسفه است

عقل به معنای دلیل و استدلال ← پذیرش سخن بدون دلیل ← خروج از حقیقت اساسی

استدلال عقلی
این سبب

کینش غلطانیت به عقل و کارایی آن ← اگوست کنت ← قوت علوم تجربی

باعث بی نیازی از استدلال عقلی شده

مسیری غلط ← از عقل و استدلال به عشق نمی رسم ← درک عشق شهری است
لے حافظ

نظری اشتباه ← استدلال مربوط به حوزه علم است نه دین
استدلال در حوزه دین اطمینان است

یک عنوان اصلی ← کاربرد حکم عقل در فلسفه

دو معنای متفاوت

عقل

عقل

به عنوان موجودی غیر مادی

به عنوان ابزار تفکر و استدلال

فرشته خرد لوگوس اولین مخلوق خدا

در انسان
لے ملک بزرگی است

نکته: در درس ۷ و ۸ به این معنا و نظرات مختلف فلاسفه پیرامون آنرا توجه زیادی شده است

عقل به عنوان ابزار استدلال ← برای رسیدن به دانش و حقایق جدید

← از طریق استدلال و تعریف

← برای رسیدن به اینکه کدام کار خوب است و کدام کار بد .

و کدام انجام داد و کدام کار را باید انجام داد

کامتنظیم کننده که ام سخن در رفتار پسندیده است و کدام نه .

این توان مندی در کودکی بالقوه است
← فعلیت آن با تجربه و تمرین است

به همین دلیل برخی قدرت عقلی بیشتری دارند و برخی کمتر

ارسطو ← به این نوع عقل توجه ویژه داشته

دارند و برخی کمتر

عقل نظری ← شناخت هست ها و واقعیات

عقل عملی ← درک باید ها و نبایدها

علم
نظری
عملی

تدرین اقسام استدلال ← استدلال تجربی
← استدلال عقلی

تعریف انسان ← به حیوان ناطق ← یعنی حیوان متفکر

← یا حیوان استدلال کننده

او عقل را ذاتی انسان می داند ← او تصویری روشن تر از عقل ارائه کرد .

عقل به عنوان موجودی غیر مادی

که مصداق وجودی در خارج دارد

موجودی مجرد از ماده و جسم

در قیود زمان و مکان نیستند

در کارها به ابزار مادی بی نیازند

هر فرشته که یک عقل



عالی داریم به نام عالم عقل ← ماوراء طبیعت ← عالم فرشتگان

که با حواس قابل درک نیست ← با دلیل عقلی قابل اثبات است

عقول یا فرشتگان ← علم آنها با استدلال عقلی نیست

که شهری است

← برای شهود حقایق به مفاهیم و استدلال نیاز ندارند

روح انسان ← استعداد رسیدن به مرتبه عقول و فرشتگان را دارد

↓
یکی از عقول است

← با تهذیب نفس ← کاملاً از ماده و جسم جدا (مجرد) می شود

قدرت استدلال دارد ← استدلال

که مرتبه پائین

عقل مجرد است

که در عین بهره مندی از عقل می تواند حقایق را هم شهود کند

مرتبه بالاتر ← توانایی در ساخت مفاهیم کلی است

که پس از آن ← انسان با صورتی کلی استدلال می کند

و قیاس

عقل از دیدگاه فلاسفه

۱- حکمای ایران باستان

کتاب کانون اولیه عقل گرایی و خرد ورزی

در شاهنامه می بینیم که ایرانیان هم عقل را به عنوان وجود نورانی و مجرد قبول داشته اند و هم به عنوان ابزار خرد ورزی و استدلال و برهان

مرجع دست یابی به نظرات آن
شاهنامه

خرد یا عقل ← یا خدا متعدد و گمانه است

خدا جهان را با خرد و عقل چهری می کند
جهان را با خرد و بر اساس عقل می آفریند

منزدا

عقل ← مخلوق خداست

خرد و عقل انسان نیز پدید و منظر او است

قرقرس ← بنام خداوند جهان و خرد
در آغاز شاهنامه کزین برتر اندیشه برنگذرد

۲- فلاسفه یونان باستان

له هداکالتوس ← لوگوس

عقل → نطق → کلمه → ظهور و پدید آمدن عقل

عقل ← جهان و اشیاء ظهور او هستند

عقل ← نطق و سخن و کلمه هم ظهور او هستند

اشیاء عالم ← کلمات عقل و علم و حکمت عقل هستند

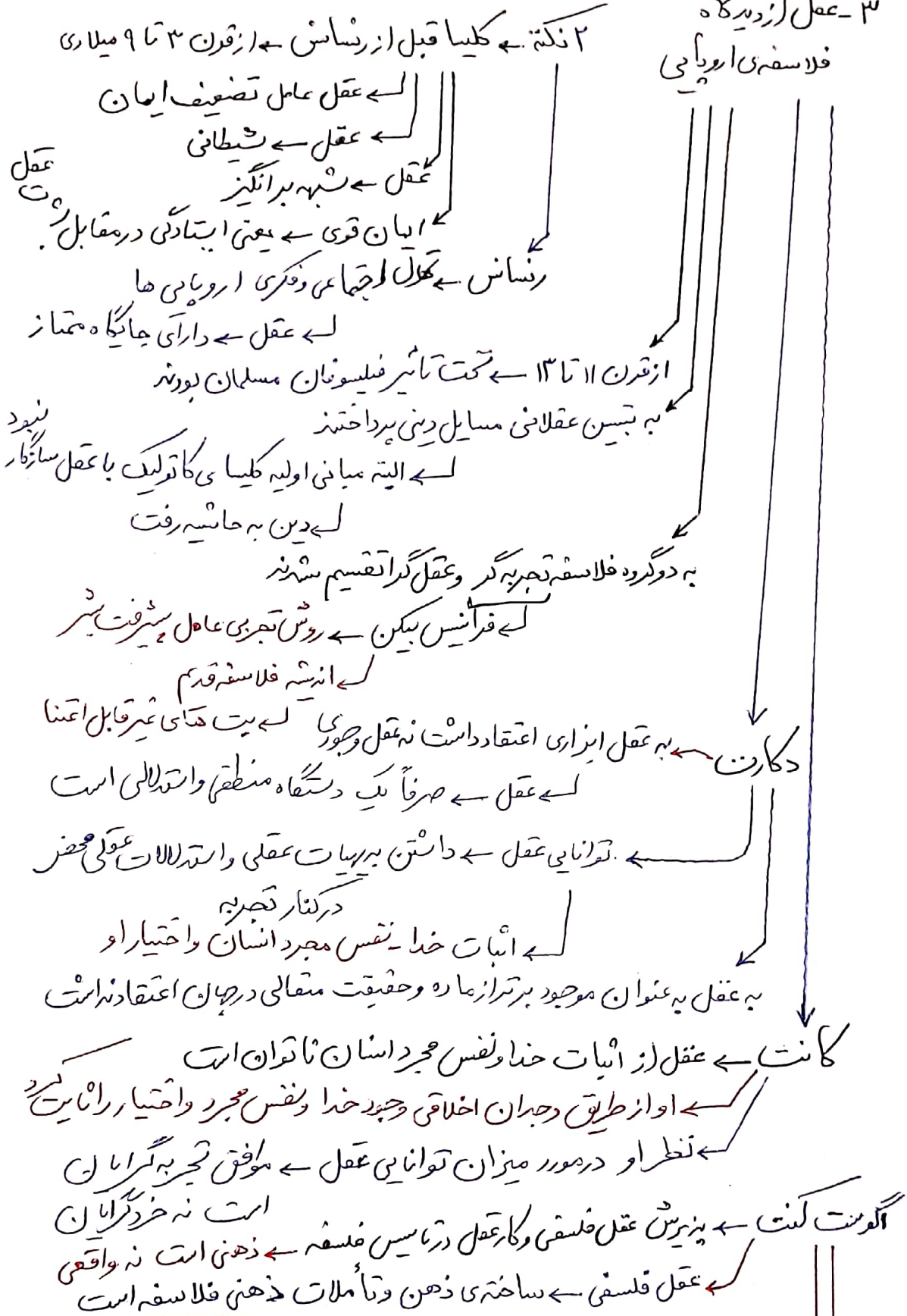
پارمنیدس ← معتقد به وجود عقلی ← اتصال به آن برای فهم امور ضروری است

افلاطون ← معتقد به عقل طی یا عقل جهانی

انسان دارای مراتبی از عقل

اسطو ← عقل استدلالی - عقل عملی و نظری - نطق → تفکر

۳۔ عقل از دیدگاه فلاسفہ اروپایی



لے عقل با روش تجربی وحسی ← بہ علم و واقعیت می رسد

← عقل فقط از طریق علم تجربی بہ واقعیت می رسد

لے این نظر نوع نگاه اروپائیان را در مورد نیست

عقل و دین و توانایی عقل در ما و راه طبیعت

تغییر داد و نگاه انسان بہ خود در دوران راجعہ کرد